

ارتقای نشریات علمی حوزوی در سطح بین المللی؛ ظرفیت‌ها، آسیب‌ها

اشاره:

ضرورت‌ها و راهکارهای ارتقای نشریات علمی حوزوی در سطح بین المللی، موضوع اقتراح‌ی است که در آن دیدگاه برخی اساتید حوزه و دانشگاه بیان شده است. ایشان با اذعان بر ظرفیت‌های موجود در علوم اسلامی، جایگاه آن را در سطح بین المللی ضعیف دانسته و ضمن آسیب‌شناسی و بیان علل این امر، بر رعایت ملاک‌های لازم برای حضور در عرصه بین المللی تأکید کرده‌اند. استادان و محققانی که در این گفت‌وگوی علمی حضور داشتند، عبارت بودند از:

۱. دکتر علی اکبر صبوری، رئیس مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران؛
۲. دکتر سید علی اکبر موسوی موحدی، استاد دانشگاه تهران و سردبیر نشریه رهیافت؛
۳. حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی عباسی، معاون آموزشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم؛
۴. دکتر سید عباس صالحی، استاد حوزه و دانشگاه و سردبیر نشریه پژوهش‌های قرآنی؛
۵. دکتر محسن جوادی، استاد و معاون بین المللی دانشگاه قم.

منظور از تولید علم چیست و چگونه باید سنجش شود؟

علی اکبر صبوری: تحقیق، ریشه در حق دارد و در واقع، حقیقت‌جویی است. خداوند عالم در آیه بیستم سوره عنکبوت می‌فرماید: بگو در زمین سیر (تحقیق) کنید و نظر کنید که خداوند چگونه آفرینش را آغاز نمود و چگونه بعد از آن نشئه آخرت را ایجاد می‌کند، که خداوند بر همه چیز توانا است.

آلبرت انیشتین، مغز متفکر فیزیک و فلسفه قرن بیستم، می‌گوید: من می‌خواهم بدانم خداوند چگونه این جهان را خلق کرده است. من به این پدیده یا آن پدیده، یا طیف این عنصر یا آن عنصر علاقه‌مند نیستم. من می‌خواهم اندیشه‌های «او» را بدانم. بقیه جزئیات است.

ماکس پلانک، فیزیکدان برجسته و برنده جایزه نوبل و معاصر انیشتین، نیز در این خصوص نکته‌جالبی گفته است: خداوند در نظام جسمانی و روحانی سرچشمه همه رویدادها است.

دانشمند با استفاده از ادراک‌های حسی و اندازه‌گیری‌ها، با تکیه بر پژوهش‌های استقرایی، تلاش می‌کند تا هرچه بیشتر به خدا و نظام عالم (که آن را نهایت دسترسی ناپذیر کاوش خود می‌شمارد) نزدیک شود. برای مذهب، خداوند در آغاز هر اندیشه‌ای است و برای دانش در انجام اندیشه به میان می‌آید. نتیجه تحقیق هر چه باشد زیبا است و محقق دوست دارد یافته خود را برای لذت دیگران، به عنوان یک مقاله علمی منتشر کند و این یک تولید علمی است.

تولید علم یک کشف علمی است که در فرایند تحقیق و مطالعه عمیق به دست می‌آید. یک تولید علمی، به صورت یک بیانیه علمی، در قالب یک مقاله علمی-پژوهشی، توسط پژوهشگر اعلام می‌شود و در آن نکته جدیدی مطرح می‌شود که تاکنون کسی از آن اطلاع نداشته است. یک مقاله علمی، سندی است جهانی که در آن پژوهشگر نظریه جدیدی را در علم مطرح نموده و آن را به نام خود ثبت می‌کند تا مورد نظر همگان قرار بگیرد. پژوهشگر، با ارائه سند علمی خود در قالب یک مقاله علمی، تمایل دارد دیگران از ایده او بهره‌مند شده و در نوشته‌های خودشان به او

ارجاع دهند. این ارجاع ممکن است در استفاده و تأیید نوشته‌های پژوهشگر باشد یا اینکه از نوشته‌های او انتقاد شده و ایده‌های کامل‌تر و جدیدتری مطرح شود. فرد پژوهشگر باید جسارت در معرض قرار گرفتن ایده‌های خود را داشته باشد تا در بازی علم نقشی ایفا کند.

محسن جوادی: علم را نباید مرادف با کشف حقیقت و عین حقیقت تلقی کرد. علم تلاشی است برای کشف حقیقت که البته ممکن است خطا هم باشد. اگر با این معیار بنگریم، آنچه که ترجمه می‌شود نیز نسبت به مجامع و کشورهایی که از آن اطلاع ندارند، تولید علم است. اگر چه ترجمه تولید علم از ناحیه خود فرد نیست ولی تلاشی است که علم را انتقال می‌دهد. تولید علم محدود به یک فرهنگ و جامعه نیست هر جامعه‌ای که بتواند شرایط مناسبی را از لحاظ فرهنگی دارا باشد، می‌تواند تولید دانش داشته باشد. معیار سنجش علم، مجامع و انجمن‌های علمی هستند؛ به این معنا که تولید دانش نمی‌تواند جدای از نقد و بررسی دیگران باشد؛ نمی‌تواند در خلأ باشد و در معرض عموم قرار نگیرد. آنچه که جواب نگیرد و نقد نشود، تولید علم نیست. الان هم سنجش در مجامع علمی ما کم شده و مقالات را بیشتر برای ارتقا می‌نویسند؛ لذا قبل از چاپ، کسی آن را نقد نمی‌کند. بنابراین مظهر و ملاک تولید علم در عرصه اجتماع، نقد و بررسی آن است. بر این اساس تولید علم مان زیاد نیست. مجامع علمی را نتوانسته‌ایم درگیر کنیم تا آثار ما را بررسی و تحلیل و نقد کنند.

لازمه این رویه علمی، شکل‌گیری و تقویت کرسی‌های نظریه‌پردازی و انجمن‌های علمی است. علت حرکت نکردن در این مسیر ضعف مدیریت پژوهش کشور است. به نظر من برخی مدیران پژوهشی و مراکز علمی ما صلاحیت‌های علمی و پژوهشی را برای مدیریت این مجامع ندارند. بیشتر بر اساس سلیقه‌های شخصی انتخاب شده‌اند و فاقد توانایی‌های لازم برای ایجاد این ساختار هستند. ممکن است آدم‌های صالحی باشند، اما توانایی چنین کاری را ندارند. باید یک سامانه‌ای برای آن اندیشید. ممکن است ما ترکیبی از مدیر اجرایی و مدیر فکری برای این کار نیاز داشته باشیم که

سیاست‌گذاری‌های علمی و فکری بر دوش کسی باشد که صلاحیت علمی را دارد و مدیریت‌های اجرایی را کسی که آشنا با اجرا است، انجام دهد. مثلاً ما افراد بسیاری داریم که در مجامع علمی خارج از کشور فعالیت می‌کنند و یکی از وظایف این افراد ساماندهی انتقال علم به ایران است. رصد کردن اینکه چه دانش‌هایی در چه کشوری رشد می‌کند و آن را به ایران انتقال دهند و حال آنکه چنین اتفاقی نیفتاده است. ریزن‌های فرهنگی ما باید نبض علمی جهان را دریافت و به ایران انتقال دهند؛ یعنی خودشان باید با این فضا آشنا باشند و به دانشگاه‌های ما متصل باشند؛ ولی این امر صورت نگرفته است و هر کس جداگانه کار خود را می‌کند.

علی‌عباسی: تولید علم به معنای دست یافتن به پاسخ‌های تازه است. تولید علم اگر به مرحله تولید نظریه برسد، کمک می‌کند که مجموعه‌ای از پاسخ‌های منسجم را ارائه کند. حتی دست یافتن به پاسخ خاص برای پرسش خاص می‌تواند تولید علم باشد. ممکن است خود پاسخ هم جدید نباشد اما نگاه تازه به آن مسئله باشد. لذا فکر می‌کنم در تولید نظریه، تولید پاسخ یا دست یافتن به یک نگاه تازه‌ای در یک پاسخ، می‌تواند تولید علم باشد.

سید علی‌اکبر موسوی موحدی: تولید علم و تولید مقاله دو مفهوم متفاوت است. تولید علم با گردآوری و تالیف و تعلیقات و... فرق می‌کند. البته هر کدام از موارد مورد نیاز جامعه می‌باشد و اهمیت دارد اما موضوع تولید علم از جایگاه یک پژوهش بکر حاصل می‌شود و دارای ویژگی‌های مختص به خود است. فرق تولید علم با تولید مقاله در این است که به آن استناد می‌شود. به مقالاتی که مورد استناد و رجوع دیگر پژوهشگران قرار می‌گیرد و در متون علمی پر رجوع است، تولید علم می‌گویند. اولین مشخصه یک مقاله تحقیقی این است که علوم تازه در آن هویدا باشد؛ یعنی اینکه قبلاً این حرف در جامعه علمی به این شکل مطرح نشده باشد و در متون علمی در این مورد گزارش نشده باشد. البته در حوزه علوم انسانی شاید لازم باشد که علوم تازه در پیکره

جامعه وارد شود اما به طور اطمینان اگر علوم تازه در حوزه علوم انسانی و علوم اسلامی در سطح بین‌المللی و در جهان صادر شود اثرات مثبت‌تر و گسترده‌تر در سطح داخل خواهد گذاشت.

وضعیت بین‌المللی ایران در حوزه علوم انسانی و اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟ سید عباس صالحی: اگر ما مثلاً نمایه‌های حضور اسناد علمی ایران را در ISI مورد نظر قرار دهیم - البته ISI همه نشانه حضور نیست اما یکی از نشانه‌های حضور و نوعی مقایسه‌سنجی علوم انسانی با گرایش‌ها و رشته‌های دیگر می‌تواند به شمار آید - خواهیم دید که وضعیت ایران در عرصه بین‌المللی جایگاه مناسبی ندارد. مقالات نمایه شده علمی ایران در حیطه علوم انسانی در ISI از ۱۳۰۸۱۵۵ مقاله علوم انسانی که در سال ۲۰۰۵ میلادی نمایه شده‌اند، فقط ۱۵ مورد از ایران است. در سال ۲۰۰۶ تنها ۱۶ مورد مقاله در علوم انسانی در ISI نمایه شده و در سال ۲۰۰۷ از ۹۰۶۱ مقاله‌ای که از ایران در ISI نمایه شده تنها ۳۰ مقاله از نمایه‌ها مربوط به علوم انسانی و هنر بوده است. این حجم و تعداد، نشان‌دهنده آن است که علوم انسانی فاصله زیادی با بقیه علوم موازی در ایران دارد و اگر حجم حضور ما در ISI به طور کل بسیار ضعیف است علوم انسانی ما تقریباً می‌شود گفت هیچ است.

برپایه گزارش ۴۰۰ صفحه‌ای مرکز همکاری علمی فنی سازمان کنفرانس اسلامی که وضعیت علمی ۵۷ کشور اسلامی را در فاصله ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ بررسی کرده است، ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی در رشته‌های علوم انسانی - جز روان‌شناسی که تاحدی قابل دفاع است - شرایط مساوی را از نظر مقاله‌های بین‌المللی دارد. اینها نشان‌دهنده این است که ما تقریباً هیچ حضور بین‌المللی در چارچوب علوم انسانی نداریم. این را باید اضافه کرد که حیطه علوم اسلامی ما ضعیف‌تر از حیطه علوم انسانی است و اگر ارقام مربوط به علوم انسانی این باشد، ارقام مربوط به علوم اسلامی بسیار بسیار کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر به نظر می‌آید.

علی اکبر صبوری؛ در زمینه مذهب، هشتاد نشریه در وبگاه علم ISI نمایه می‌شود. به عنوان مثال، یکی از آنها نشریه‌ای است به نام جهان مسلمان (Muslim World) که هر سال سه شماره آن به زبان انگلیسی در کشور انگلستان منتشر می‌شود. در طول ده سال گذشته (۱۹۹۷-۲۰۰۶)، ۴۰۳ مقاله در این نشریه منتشر شده است. نزدیک به شصت درصد از مقالات این نشریه توسط دانشمندان آمریکا نوشته شده و کشورهای ترکیه، مالزی و پاکستان با مجموع نزدیک به پانزده درصد برای هر سه کشور در رده‌های بعدی قرار دارند. اگر نوشته‌های علما و دانشمندان ما از زبان فارسی به انگلیسی ترجمه شده و برای این نشریه ارسال گردد، بدون شک از سطح علمی بالاتری برخوردار خواهد بود و چاپ خواهد شد، فقط کافی است در قالب یک نوشته استاندارد علمی درآید. موضوع مقالات این نشریه بسیار ساده و روان، اما جالب توجه است.

اخلاق، حوزه دیگری از علوم اجتماعی و علوم انسانی است که سی نشریه را در وبگاه علم ISI شامل شده و جایگاه خوبی برای علوم اسلامی می‌تواند باشد. یکی از این نشریات، فصلنامه اخلاق (Ethics) دانشگاه شیکاگو می‌باشد. هر سال به طور میانگین، نود مقاله در این نشریه به چاپ می‌رسد که بیشتر آنها خلاصه و معرفی کتاب‌های منتشر شده در زمینه اخلاق است. ۷۵ درصد مقالات این نشریه متعلق به دانشمندان آمریکا است.

علی عباسی: طی این دو سده که با علوم مواجه بودیم - به خصوص پس از انقلاب اسلامی و نگاه استقلال‌نگرانه به علوم که محصول فکری انقلاب اسلامی بوده است - از فضای ترجمه به مرحله تولید در حال حرکت هستیم و به مرحله رجوع به مبانی می‌رسیم که با رویکرد به مبانی نسبت به این علوم می‌توان تولیداتی داشته باشیم؛ یعنی علوم انسانی که با نگاه علوم اسلامی طراحی شوند، مسیری است که شروع شده ولی در آغاز راهیم. در بعضی از حوزه‌ها کارهای بیشتری صورت گرفته است و در بعضی حوزه‌ها کارهای کمتری صورت گرفته است. به هر حال رویکردی است که

طی این چند دهه در مراکز علمی در حال تعقیب است. هرچند که در سطح بین‌المللی ما در این عرصه کاستی‌هایی داریم. در علوم انسانی هنوز به مرحله تولید انبوه که بتوانیم تأثیرگذار باشیم، نرسیده‌ایم. در علوم اسلامی هم دارای غنا و پیشینه ارزشمندی هستیم که نیازمند بازخوانی و بازنگاری هم‌سوی با ادبیات جدید و تقسیم‌بندی جدید است و آن هم در مراحل آغازین است. بنابراین در سطح بین‌المللی جایگاه مطلوب را نداریم اما چون این مسیر سرعت گرفته افق آینده روشن است.

محسن جوادی: جایگاه ایران در علوم انسانی رو به رشد است اگر چه قابل قبول نیست. در حوزه علوم اسلامی نیز به جایگاهی که باید داشته باشیم در حال نزدیک شدن هستیم. حوزه‌هایی مانند تفسیر قرآن، فلسفه اسلامی و فقه نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در کشورهای غیر اسلامی مانند آکادمی آکسفورد و کمبریج نیز تولید می‌شوند.

البته وجود ضعف در سیستم مدیریت دانش و پژوهش را نباید از یاد برد. علم در یک خال تولید نمی‌شود؛ ممکن است فرد استعداد داشته باشد یا جامعه‌ای ظرفیت‌های خوبی داشته باشد؛ اما برای اینکه به عرصه ظهور و بروز برسد، نیازمند مدیریت‌های علمی و پژوهشی مناسبی است که عمدتاً از این ناحیه ضعیف هستیم و نمی‌توانیم این ظرفیت‌ها را به هم مربوط کنیم. تولید علم یک فرایند اجتماعی است، فقط کار یک فرد نیست. ممکن است ایده به ذهن یک شخص بیاید و با دشواری آن را رشد داده و از آن دفاع کند و به سطح انجمن‌های علمی برساند؛ ولی این یک فعالیت اجتماعی است که نیازمند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب است. به نظر من در این زمینه‌ها مشکل داریم. مشکل عمده هم جهت‌ارتباطی است. ما در زمینه‌های علوم انسانی هنوز نتوانسته‌ایم با مجامعی که در این زمینه‌ها کار می‌کنند، ارتباط علمی قوی داشته باشیم؛ از جمله مبادله استاد و دانشجو و محقق و سامان دادن کارهای مشترک، که بخشی از آن به مشکل مدیریتی بر می‌گردد و بخشی از آن هم از اراده ما خارج است. محدودیت‌هایی که کشورهای دیگر احیاناً به

دلایل سیاسی و... ایجاد می کنند تا حد زیادی می توان آن را مدیریت کرد ولی من فکر می کنم عمده مشکل ما این نیست. مشکل از خودمان است که مدیریت خوبی در حیطه علمی نداریم.

مثلاً الان پایان نامه های خوبی در سطح تحصیلات تکمیلی در زمینه علوم انسانی و اسلامی صورت می گیرد؛ اما چه مقدار آن خلاقیت، نوآوری و ابتکار و چه مقدار تکرار و فعالیت غیر مفید و غیر کاربردی است. اگر این هزینه ها مدیریت شود و کسانی پشت صحنه مدیریت قرار می گرفتند که می توانستند طرح ها را به سوی پروژه هایی هدایت کنند که مجموعاً یک محصول ارزشمند را تحویل جامعه علمی می داد، بسیار مناسب بود.

ما هنوز در سطح انجمن های علوم انسانی در سطح بین المللی افراد زبده و نخبه ای نداریم. شاید دانش در یک سطح متوسطی هم تولید شود، اما موتور حرکت آن نخبگان و کسانی هستند که می توانند یک شاخه علمی را یک قدم به جلو ببرند. هنوز در این زمینه ها ما جایگاه مناسبی نداریم. شاید در داخل کشور کارهای تحقیقی ارزشمندی کرده باشیم اما چون به زبان بین المللی عرضه نشده است، رشد چندانی نداشته ایم. البته دانش راه خود را باز می کند؛ مثلاً ابن سینا به زبان انگلیسی که نمی نوشت، اما به سراغ آثار او آمدند و آنها را به لاتین ترجمه کردند. به هر حال در کوتاه مدت این اتفاق نمی افتد و الان قضیه برعکس است و به ترجمه روی آورده ایم و آن خلاقیت را نداریم. نفس ترجمه هم امر نامطلوبی نیست؛ مشکل اینجا است که در پس ترجمه نقد و بررسی و جدیتی نیست. یک زمان ایران دارالترجمه بود و خدمات ارزشمندی را به جهان اسلام ارائه کرد. متفکران ما ضمن ترجمه حرف خود را هم می زدند، تحقیق می کردند و علاوه بر انتقال علم بر علم نیز می افزودند. مشکل اینجا است که ترجمه ها، سامان یافته و مدیریت شده صورت نمی گیرد. اگر همین ترجمه ها متناسب با فضای فکری ما و در چارچوب های تولید جدید قرار بگیرد، توسعه علم را عمیق و سودمند می کند. جایگاه ما در علوم انسانی به گونه ای است که نیازمند ترجمه ایم اما ترجمه هایی که با جهت گیری علمی مناسب و در راستای توسعه علم باشد.

ظرفیت‌های علمی ایران در عرصه علوم اسلامی و انسانی برای حضور قوی در مجامع علمی دنیا چیست؟

علی عباسی: علوم اسلامی دارای میراث ارزشمندی است که نیازمند تفکیک رشته‌ای براساس ادبیات تقسیم علم و متناسب با وضعیت جدید است. مثلاً دانش اصول این قابلیت را دارد که از آن رشته‌هایی استخراج شود ولی هنوز به صورت دایره‌المعارفی از اطلاعات باقی مانده است. همچنین به لحاظ ادبیاتی که بتوانیم با دنیا تعامل کنیم، نیاز به کار بهتری داریم که نوآوری هم در آن وجود دارد. با توجه به دستاوردهای دانش‌های مشابه در مباحث علوم انسانی، می‌شود بسیاری از مباحث جدید را در مباحث مصطلح علوم اسلامی از جمله فقه، اصول، مباحث کلام جدید و فلسفه طرح کرد. بسیاری از دانش‌های ریشه‌دار می‌توانند در نگاه جدید و با استفاده از دستاوردهای دانش‌های جدید مورد بازنگری قرار بگیرند.

عقل‌گرایی شیعی در حوزه علوم اسلامی از جمله فلسفه، کلام، فقه، اصول و حتی ادبیات غنای بسیاری به این رشته‌ها بخشیده و باعث تفاوت بسیاری با سایر فرق اسلامی شده است. مبانی عقل‌گرایی شیعه، ظرفیتی است که در میان دیگر کشورهای اسلامی با این شدت وجود ندارد.

حضور نسل جدید عالمان دینی که با علوم انسانی جدید عمیقاً آشنا هستند از دیگر ظرفیت‌های علوم اسلامی و انسانی است که نیازمند بهره‌برداری و مدیریت صحیح است تا از توانایی آنها به نحو مطلوب بتوان استفاده کرد.

محسن جوادی: ظرفیت‌های عمده را در سه بعد میراث علمی، نیروی انسانی و رویکرد مثبت فرهنگی و حکومتی می‌توان دید. اما در هر سه جنبه، انتقادهایی نیز به عملکرد مدیریت پژوهش در کشور وارد است. ما در علوم انسانی از صفر شروع نمی‌کنیم، اما به یک بازخوانی متناسب با روز در تراث علمی خود نیازمندیم. این امر در تراث علمی، مورد غفلت و بی‌توجهی است. هر ملتی دانش خود را از نو شروع نمی‌کند؛ بلکه

بر اساس یک تراث شروع می‌کند؛ متها هنر اینجا است که این میراث را به روز کند. مثلاً در غرب برای آشنایی با یک متفکر مانند آکویناس مشکلی وجود ندارد؛ چون کارهای مختلفی از تصحیح نسخ، تنقیح، شرح و تفسیر به شیوه‌های متفاوت ارائه شده است. اما اگر بخواهیم ابن سینا را - که همه متفق بر رتبه عالی او در فلسفه اسلامی هستند - به دانشجو معرفی کنیم چنین پشتوانه و زمینه‌ای را نداریم؛ یعنی چاره‌ای جز این نیست که به آثار ابن سینا مراجعه کند که به دلیل سنگینی مطالب خواه ناخواه دلسرد می‌شود. ما در احیای اندیشه ابن سینا کاری انجام نداده‌ایم؛ صرفاً از او تمجید کرده‌ایم و خاطره گفته‌ایم اما اندیشه‌های او را در هیچ یک از کتاب‌های دبیرستانی وارد نکرده‌ایم؛ یعنی اندیشه منتقل نشده است. وقتی اندیشه منتقل نشود علم هم تولید نمی‌شود و رشد نمی‌کند. دانش از تراث ما بریده است و عمدتاً به دیگران توجه داریم؛ چون کار تحقیقی و تنقیحی در تراث ما نشده است. لذا ارجاعی هم در آثار ما به آن نیست اما مثلاً به اندیشمندان غربی ارجاع بسیار است.

وجود نیروی انسانی علاقه‌مند و کوشا در حوزه علوم انسانی و اسلامی از دیگر ظرفیت‌های موجود است که گرفتار مدیریت نامطلوب است و لذا از آن استفاده شایان صورت نمی‌گیرد. پژوهشگاه‌ها و مراکز ما بر اساس سلیقه مدیر تعریف سلیقه‌ای پیدا کرده است؛ یعنی مراکز علمی و پژوهشگاه‌های ما نقش مشخص تعریف شده‌ای ندارند و با یکدیگر هم ارتباط ندارند؛ هر یک مانند جزیره‌ای جداگانه حتی اطلاع‌رسانی درستی نیز به یکدیگر نمی‌دهند؛ در حالی که رشد دانش منوط به اطلاع‌رسانی شفاف است. نیروی انسانی کشور ما در قیاس با بسیاری از کشورها، قابل قبول است. حتی بسیاری از محققان ما به دلیل اینکه با ساختارهای پژوهشی کشور نتوانسته‌اند سازگاری پیدا کنند، بدون هیچ انگیزه سیاسی و صرفاً به دنبال پیدا کردن یک زمینه نقش آفرینی به دانشگاه‌های خارج از کشور رفته‌اند. اگر مدیریت پژوهش ما مناسب باشد می‌توانیم از پتانسیل آنها استفاده کنیم.

ظرفیت سوم رویکرد مثبتی است که در سطح کلان (حکومتی و فرهنگی) به پژوهش و رشد علم وجود دارد. گرچه این رویکرد سامانه مناسب و مدیریت منسجمی

ندارد، اما اصل توجه و رویکرد هست. اگر کسانی بتوانند این امر را مدیریت و ساماندهی کنند و فکر و روش مناسبی ارائه دهند، شاید بتوانند از امکانات مالی مناسب بهره‌برداری کنند.

علی‌اکبر صبوری: تعداد دانشمندان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، علوم انسانی و هنر و همچنین حوزه علوم اجتماعی در وبگاه علم ISI قابل توجه است. همچنین مباحث نشریات متعددی که در کشور به زبان فارسی منتشر می‌شود، اگرچه در بسیاری موارد شامل درازنویسی است، از سطح علمی بالایی برخوردار بوده و می‌تواند در جهان مشتاقان زیادی داشته باشد. اما این همه پتانسیل و استعداد جهت‌یابی انتشار مناسب پیدا نکرده است. بدون شک، اگر در این حوزه از علم، انتشارات خود را جهانی کنیم، به سرعت جایگاه علمی و مناسب خود را در جهان به دست آورده و افتخار دیگری بر مشارکت خود در تولید جهانی علم خواهیم آفرید. در واقع، پتانسیل تولید جهانی علم در این حوزه از علم در کشور وجود دارد، ولی از آن استفاده نشده است. افزودن میزان مشارکت تولید جهانی علم در کشور، تنها در حوزه علوم محض، بدون توجه به حوزه‌های دیگر بیراهه است و باید مشارکت خود را در تمامی زمینه‌ها رشد دهیم، به خصوص که پتانسیل آن را هم داریم.

سید عباس صالحی: ظرفیت‌های حضور در عرصه بین‌المللی را می‌توان دو نوع دانست: یکی ظرفیت‌های تاریخی که بالقوه یا بالفعل هستند؛ به این معنا که با کمی سرمایه‌گذاری می‌توان آنها را بارور کرد. بخشی هم ظرفیت‌های در حال استحصال است که در حیطه علوم اسلامی در حال تکامل است و می‌شود برای آن سرمایه‌گذاری کرد ولو اینکه در گذشته شاید به عنوان یک ظرفیت قابل توجه نبوده است.

از ظرفیت‌های تاریخی که می‌توان برای آن سرمایه‌گذاری کرد، فلسفه اسلامی - به خصوص فلسفه متأخر اسلامی از ملاصدرا به بعد - مباحث علم النفس، فلسفه و عرفان و مباحث مربوط به شخصیت‌های مؤثر و متفکر جهان اسلام است. این

ظرفیت‌ها هم ما را به نگاه غربی مرتبط می‌کند و هم از این طریق می‌توان تاریخ تمدن اسلام را منتقل کرده و در غرب هم علایقی به بازشناسی‌های این مجموعه پدید آورد. مباحث فراروان‌شناسی که به نحوی در سابقه فکری جهان اسلام در قالب علوم غریبه در برخی از عرفان‌ها حضور داشته است، از دیگر ظرفیت‌های تاریخی به شمار می‌رود. عرفان اسلامی و حوزه معنویت عرفانی را با سابقه ۱۴ قرن، با گرایش‌ها و لایه‌های متنوعی که داشته است، می‌توان از دیگر مقوله‌های ظرفیت تاریخی دانست.

در کنار این حیطه‌ها برخی از حیطه‌های دیگر هم وجود دارد که شاید بخشی از آن به وقوع پیوسته و بخشی از آن ظرفیت بالقوه و در حال استحصال است. به‌عنوان مثال از سابق به بحث‌های اخلاقی پرداخته‌ایم؛ چه در فلسفه چه در اخلاق. این مباحث قابلیت یک گزارش و یک تحلیل را براساس آنچه داشته‌ایم، دارا است. در بحث فلسفه دین هم به همین شکل؛ مثل مباحث براهین اثبات خدا و بحث‌های دیگری از این قبیل که زیرمجموعه فلسفه دین قرار می‌گیرند. مباحث تاریخی هم یک ظرفیت تاریخی دارد که برخی حیطه‌های آن در حال رویش و حرکت است. بحث گفت‌وگوی ادیان هم همین‌طور است؛ زیرا با توجه به سوابقی که در ارتباط با مسیحیت یا ادیان دیگر داشته‌ایم، پاره‌ای از ظرفیت‌های تاریخی وجود دارد.

بخش دیگری از موضوعاتی که می‌تواند در ظرفیت گفت‌وگوهای علمی باشد مباحث مطرح در حوزه‌های علوم دینی و جامعه دینی کشور است که حرکت خودشان را تازه آغاز کرده‌اند. شاید این حرکت را نتوان یک ظرفیت تاریخی تلقی کرد اما می‌تواند مایه گفت‌وگوهایی بشود؛ مثل نقد فلسفه غرب به خصوص از دوران علامه طباطبائی و شهید مطهری. این هم یک ظرفیت در حال رشد است. همچنین مباحث چالشی جهان امروز که به خصوص بعد از انقلاب به اعتبار شرایط حاکمیت و شرایط حوزه‌های دینی مورد توجه بیشتر قرار گرفته است؛ مباحثی مانند حقوق بشر و حقوق زنان. اینها موضوعاتی است که حوزه‌های علمی ما را به نحوی وارد گفت‌وگو و بحث و تأمل کرده و ظرفیت جدیدی را برای گفت‌وگو پدید آورده است. همچنین مباحث

مربوط به نظام سیاسی، فلسفه سیاسی، حقوق اسلامی و آنچه که مربوط به دولت‌سازی یا فلسفه توزیع قدرت است، در این دو سه دهه اخیر تأملات بسیاری را در فضای حوزه‌ها به خود اختصاص داده است.

در کنار همه این محورها به این یک نکته نیز باید توجه کرد که بحث گفت‌وگوی بین‌المللی دو ساحت دارد: ساحت جهانی و ساحت جهان اسلامی. در فضای جهان اسلامی هم حوزه‌های علمیه احتیاج به فعال‌سازی گفت‌وگوی بین‌المللی دارند. باید مباحث علمی تشیع در جهان اسلام مطرح شود، امکان بروز پیدا کند و یک گفت‌وگوی علمی جهان اسلامی اتفاق بیفتد. در این حوزه طبعاً مباحث متنوع‌تر و ظرفیت تاریخی ما گسترده‌تر است. علاوه بر محورهای پیشین، بسیاری از مباحث دانش‌های اسلامی ممکن است برای سطح جهانی خیلی اهمیت نداشته باشد اما می‌تواند در یک گفت‌وگوی جهان اسلامی ورود پیدا کند؛ به مثل مباحث قرآن‌پژوهی بسیاری در چند سده اخیر در جهان تشیع - به خصوص ایران - اتفاق افتاده است که ظهور و بروز کمتری در جهان اسلام دارند. همچنین بحث حدیث‌شناسی، فقه شیعه و مباحث تطبیقی آن با فقه اهل سنت (فقه مقارن) و موارد دیگر. بنابراین افزون بر ظرفیت علمی که در سطح جهانی باید مورد تأمل قرار گیرد، به ظرفیت گفت‌وگوی جهان اسلامی هم نباید بی‌توجهی شود.

اما برای حضور در عرصه بین‌المللی و گفت‌وگو با نهادهای علمی، نیازمند شناخت چگونگی این حضور هستیم؛ چرا که در عرصه بین‌الملل، ارتباط برقرار کردن با روش، متد و زبان معتبر در عرصه جهانی ضروری است. باید قالب صحیحی برای عرضه علوم اسلامی در سطح جهانی یافت تا بتوانیم حضور مؤثری داشته باشیم. لذا نیازمند تشخیص و رعایت ملاک‌های صوری و محتوایی جهت عرضه علوم هستیم.

محسن جوادی؛ نظام استاندارد که اکنون رایج است، بیشتر توسط دیگران طراحی شده است. شاید در این مرحله نتوانیم نظامی طراحی کنیم که دیگران از آن تبعیت کنند؛ چون ما نیستیم که در اینجا حرف اول را می‌زنیم. ما می‌توانیم ضمن

اینکه ملاک‌ها و استانداردهای آنها را ملزم شویم (مثلاً ISI) اگر در این ملاک‌ها اشکال داریم آنها را در آینده تصحیح کنیم. این در یک فرایند تاریخی شکل خواهد گرفت و البته نباید شتاب‌زده وارد این امر شویم.

علی عباسی؛ ما واجد مجموعه‌ای از گزاره‌های علمی و مباحثی هستیم که در دنیای جدید و دسته‌بندی‌های رایج در دنیای علم، می‌توان برخی از آنها را با زیرشاخه‌های متفاوت ارائه کرد. ما به لحاظ ملاک‌های صوری و شکلی نیازمند تعریف ملاک‌های دسته‌بندی علوم هستیم. ما الان علوم را به دلیل غایت و کاربردی که دارند تقسیم‌بندی کرده‌ایم. اگر نوع نگاه عوض شود، می‌توان چند شاخه علم از آن خارج کرد. مثلاً فقه را که موضوع آن عمل مکلف بوده است به عنوان یک علم از آن یاد کرده‌ایم؛ در حالی که فقه حقیقتاً در فضای جدید می‌تواند به علوم متفاوت تفکیک شود. لذا این استانداردسازی را می‌توان انجام داد که بتوانیم در تعاملات علمی در هر یک از این عرصه‌ها با سایر دیدگاه‌های رقیب گفت‌وگو یا حداقل ارتباط برقرار کنیم. ما در شاخه‌بندی گزاره‌ها و تفکیک آنها به علم، نیازمند نگرش جدید هستیم.

ملاک‌های محتوایی مقوله دیگری است که باید در عرصه گفت‌وگوی علمی جهانی به آن پرداخت. رسیدن به پاسخ مسائل علم، مهم‌ترین مسئله در زمینه ملاک محتوایی است. علم وقتی شکل می‌گیرد که در یک رشته علمی مطرح شود. ممکن است گاهی یک گزاره معرفتی مطرح شود ولی تا زمانی که به پاسخ نرسید و مسئله حل نشود از کنار هم گذاشتن پاسخ‌های مرتبط به هم، رشته علمی شکل نمی‌گیرد؛ هرچند که ممکن است معرفت شکل بگیرد. اگر می‌خواهیم به علوم اسلامی برسیم، بایستی پاسخی به مسائل مرتبط به هم داشته باشیم. الان در بعضی زمینه‌ها پرسش‌هایی داریم، ولی پاسخ‌های روشن خیلی نداریم. شاید تک پاسخی‌هایی که هنوز نتوانسته‌اند یک رشته علمی ایجاد کنند، داشته باشیم؛ مثلاً اینکه آیا روان‌شناسی اسلامی داریم یا نداریم؟ شاید بتوانیم در این موضوع بحث کنیم؛ اما نمی‌توانیم الان ادعای رشته روان‌شناسی اسلامی داشته باشیم. پاسخی‌هایی که در

این زمینه تولید کرده ایم، نمی‌تواند پاسخگوی یک منظومه علمی باشد بلکه پاسخ به گزاره‌ها است. اگر بتوانیم پاسخ‌ها را آنقدر تکثیر کنیم تا مجموعه‌ای از پاسخ‌های مرتبط به هم - که می‌تواند به تولید علم برسد - داشته باشیم، آن‌گاه می‌توانیم به لحاظ محتوایی حرفی برای گفتن داشته باشیم. البته در بعضی از این زمینه‌ها به لحاظ محتوایی گام‌هایی برداشته ایم، ولی هنوز ضعف داریم.

محسن جوادی: ملاک‌های محتوایی علوم اسلامی متفاوت است؛ مثلاً فقه یک سیستم تعریف شده‌ای دارد که در قالب اجتهاد عینیت یافته است و نوآوری و تولید نیز در این قالب پذیرفته شده است. البته محتوا باید موضوع محور و دامنه پژوهش محدود باشد. مربوط باشد به نیاز جامعه یا آنچه که در آینده نیاز جامعه می‌شود.

سید علی اکبر موسوی موحدی: شناخت روش‌های جدید مرسوم در دنیا قدم اول در محتوا است. باید روش‌های سنتی خود را بر مبنای روش‌های علمی بازسازی کنیم و آنها را با فضای روز دنیا تطبیق دهیم. دیگر اینکه از روش‌های تطبیقی و تلفیق روش‌ها استفاده کنیم. امروزه علوم انسانی و حتی علوم اسلامی از علوم پایه و سایر علوم جدا نیست. از دستگاه‌ها و ابزار علوم و مهندسی می‌توان در تحقیقات علوم اسلامی و علوم انسانی استفاده نمود؛ همان‌طور که سایر کشورهای پیشرفته استفاده می‌نمایند. در هر موقعیت و جایگاه تحقیقاتی اگر یک دانشمند حوزه و یک دانشمند دانشگاهی و یا یک گروه تحقیقی دانشگاهی با یک گروه تحقیقی حوزوی بر روی یک طرح تحقیقاتی مشترک به فعالیت بپردازند، نتایج حاصل، از محتوا و آرایش روز برخوردار و مورد تحسین جهانیان قرار می‌گیرد.

سید عباس صالحی: استانداردسازی علمی باید متناسب با عرف علمی جامعه جهانی باشد. همان‌طور که در تاریخ خودمان هم بوده است. علم، زبان علم و نحوه انتقال آن دارای تحولات و تطورات بوده و استانداردهای جدیدی را ایجاد کرده است. اگر

بخواهیم در شرایط بین‌المللی حضور پیدا کنیم، باید به استانداردهای مقالات و رساله‌ها و کتاب‌های علمی عصر خودمان توجه کنیم. یکی از کارهایی که در این فضا می‌شود پیشنهاد داد، مطالعاتی است که می‌تواند در نزدیک شدن به استانداردهای عرف جهانی کمک کند. بین مقالات علمی که خودمان منتشر می‌کنیم یا مقالات علمی که در مجلات معتبر علمی جهان منتشر می‌شود، مقایسه تطبیقی داشته باشیم تا بدانیم تفاوت ما چیست. به عنوان مثال در عرف حوزوی خودمان تکثیر ادله را ممدوح می‌دانیم؛ زیرا احساس می‌کنیم به قدرت مدعی کمک کرده‌ایم. اما به نظر می‌آید چنین عرف علمی در جهان وجود ندارد؛ آنها به دلیل مختار اکتفا می‌کنند. مثال دیگر اینکه ما کاربرد نوعی از زبان ادبی و ابهام و ابهام را بد نمی‌دانیم؛ چون زبان فارسی مقداری شاعرانه است و زبان با ابهام و شعر همراه است؛ در حالی که به نظر می‌آید زبان علمی امروز به گونه دیگری است. به نظر می‌آید در ورود و خروج‌ها و استنادها نیاز به یک مطالعه تطبیقی وجود دارد. بایستی مقالات علمی خودمان را با برخی مقالات علمی دنیا بسنجیم تا ویژگی‌ها و تمایزهای خودش را نشان بدهد.

نشریات علمی حوزوی، بستر مناسبی برای برون داد تلاش‌های علمی حوزه است؛ اما این نشریات با هدف حضور در عرصه جهانی و شناساندن دیدگاه خود به عرصه بین‌الملل شکل نگرفته‌اند و در ابتدای مسیر حرکت جهانی هستند. پس با این رویکرد باید به ضرورت ارتقای نشریات علمی حوزه و راهکار آن پرداخت.

علی‌اکبر صبوری: افزایش میزان مشارکت کشور در تولید علم جهانی از دو طریق میسر است: اول از طریق نشر مقالات در نشریات معتبر خارجی و دارای نمایه بین‌المللی، به ویژه نشریات تحت پوشش وبگاه علم ISI. دوم از طریق انتشار نشریات داخلی استاندارد اما بین‌المللی؛ به خصوص به زبان انگلیسی که نه تنها با نمایه شدن مقالات آن، میزان مشارکت جهانی در تولید علم زیاد شده بلکه زمینه لازم را برای انتشار مقالات دیگران و کسب اعتبار علمی نشریات بیشتر می‌کند. ارتقای نشریات علمی کشور در حوزه علوم اسلامی، حتی علوم انسانی، باعث رشد سریع میزان مشارکت تولید علم ما

در سطح جهان می‌شود، تعداد خوانندگان و نفوذ انتشارات علمی ما را افزایش می‌دهد و ارجاع به نوشته‌های دانشمندان ما را می‌افزاید. همچنین تنش‌های سیاسی کشور، با نوشته‌های علمی و بیان دیدگاه‌های منطقی در نشریات علمی کاهش یافته و مشارکت ایران در تولید جهانی علم در همهٔ حوزه‌ها همگام می‌شود. به این طریق قدرت علمی کشور فزونی می‌یابد.

از جمله دلایلی که شتاب تولید علم کشور را در حوزهٔ علوم محض، به‌ویژه در یکی دو سال اخیر، سرعت بخشیده، افزایش تعداد نشریات استاندارد جهانی در داخل کشور است. ده سال پیش (سال ۱۹۹۸ میلادی) تنها سه نشریهٔ ایرانی در وبگاه علم نمایه می‌شد. دو سال قبل (سال ۲۰۰۶ میلادی) این تعداد به عدد پنج رسید. در سال جاری، تعداد نشریات علمی کشور که در وبگاه علم نمایه می‌شوند به ۲۵ مورد افزایش پیدا کرده است. از این تعداد، پانزده مورد مربوط به نشریات علوم پزشکی است که تنها در دو سال اخیر استانداردهای لازم را کسب کرده و تحت پوشش نمایه‌های بین‌المللی، به‌ویژه وبگاه علم ISI قرار گرفته‌اند. ضرورت جهانی شدن نشریات در حوزهٔ علوم محض به‌خوبی درک شده و با شتاب در حال انجام است. این ضرورت باید هرچه سریع‌تر در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز درک شود.

سید علی‌اکبر موسوی موحدی: ارتقای نشریات علوم انسانی و اسلامی برای سهیم شدن در تولید علم جهان ضروری است. اگر بخواهیم تفکر خود را صادر کنیم، باید بیشتر از سهم جمعیت خود در تولید علم جهانی سهیم باشیم. در علوم اسلامی و انسانی با هویت زیربنایی که ما داریم، می‌توانیم در دو سطح ملی و جهانی حرف داشته باشیم. دانشمندان مسلمان باید در راهنمایی جامعه جهانی سهیم بوده و مرجع علمی در سطح بین‌المللی باشند. مهم‌ترین مسئله رشد فرهنگی مسلمانان همین است. اگر دانشمندان مسلمان مرجع علمی در جهان باشند، می‌توانند موفق باشند و چنانچه مقلد علمی غرب و سایر کشورها باشند، نخواهند توانست علوم اسلامی و فرهنگ اسلامی را به دنیا صادر کنند.

علی عباسی: اکنون نیازمند یک سازمان ناظر بر نشریات هستیم تا نشریات را ارزیابی و رتبه‌بندی و حتی از ابتدا شرایط نشریه را احراز کند. این سازمان در حوزه نبوده است و چنانچه سازوکار آن درست تعریف شود، مشکل کیفی نشریات علمی حوزه نیز برطرف خواهد شد.

محسن جوادی: تکثر بی‌رویه مجلات در حالی که وظایف‌شان هم روشن نیست؛ از آسیب‌های نشریات علمی حوزه است. اگر متولیان امر در یک مجله متمرکز شوند، بر قوت علمی و غنای آن می‌افزایند. از طرفی با توجه به صوری بودن اعضای هیئت تحریریه برخی نشریات، فعال شدن آنها به گونه‌ای که کاملاً مستقل و آزادانه مقالات را داوری کنند، باعث رونق نشریه‌های حوزه خواهد شد.

علی اکبر صبوری: راهکاری که سریع‌تر جواب موفقیت‌آمیز بدهد، این است که در چند زمینه خاص نشریاتی تقویت شده و یا پدید آیند؛ به طوری که موضوعات مختلف در زمینه‌های علوم انسانی را پوشش دهند و روی استاندارسازی و بین‌المللی شدن آنها کار شود. به‌عنوان مثال، حوزه علوم اسلامی به ده رشته تقسیم شده، طوری که همه موضوعات این حوزه را پوشانند و برای هر کدام از این ده رشته یک مجله استاندارد بین‌المللی، حتی الامکان به زبان انگلیسی، ایجاد شود. اینها نشریات الگویی خواهند شد که دیگر نشریات را به رقابت برای جهانی شدن وا خواهد داشت.

با ارائه سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی باید، راهکارهای لازم را برای بین‌المللی کردن نشریات و راهیابی آنها برای نمایه‌سازی‌های جهانی، به‌همه نشریات موجود آموزش داد تا به‌عنوان یک حرکت ملی درآید. یکی از کمبودهای کشور ما، مؤسسه نشر بین‌المللی است. در چنین مؤسسه‌ای نشریات می‌توانند قالب واحد و قابل قبولی با رعایت قواعد نشر بین‌المللی بیابند و توزیع مناسبی در جهان داشته باشند. برای رفع این نقیصه، باید در ایران ناشر یا ناشران بین‌المللی پدید آیند؛ اما تا رسیدن به این مطلوب، سازمان‌های توانمندتر می‌توانند با ایجاد یک بخش

ویژه جای خالی ناشر بین المللی را پر نمایند.

در حال حاضر، نشریات الکترونیکی رو به فزونی است. بسیاری از نشریات به هر دو شکل کاغذی و الکترونیکی منتشر می شوند. برای افزایش نفوذ نشریات خود، باید نسخه الکترونیکی آنها هم به صورت متن کامل در اختیار همگان قرار گیرد.

سیدعباس صالحی: ارتقای نشریات علمی حوزه و حضور جدی و فعال در عرصه های بین الملل به چند امر نیاز دارد: اول بحث زبان. کسانی که به زبان دوم در حوزه های دینی مسلط باشند، زیاد نیستند. بیشتر آنها به زبان مکالمه و ترجمه تسلط دارند نه نوشتن یک متن به زبان دوم. سیستم های آموزشی ما باید حداقل بخشی از تلاش خودشان را به نگارش زبان دوم معطوف کنند که چنین تکلیف هایی معمولاً در حیطه زبان دوم داده نمی شود.

دوم ایجاد مرکز چکیده نویسی مقالات و نمایه سازی رساله های علمی. این مرکز اگر ساختار مناسبی برای انتخاب و داوری مقالات داشته باشد، مقالاتی را که قابلیت ارجاع دارند - و می توانند در جهان به طور عام و جهان اسلام به طور خاص جایگاهی برای انتقال تفکر اسلامی پیدا کنند - انتخاب و عرضه خواهد کرد. کار اصلی چنین مرکزی باید این باشد که افراد مسلط بر مفاهیم اسلامی و توانا در عرصه ترجمه را در یک فضای کلینیکی گرد آورد تا هم تخصص شان را کامل کنند و هم به ترجمه و انتقال مقالات بپردازند.

سوم سرمایه گذاری نشریات حوزه در بین مجموعه خودشان. به عنوان نمونه هیئت داوران هر نشریه حوزوی برای ترجمه و ارائه دو یا سه مقاله که دارای ایده هستند و قابلیت جهانی شدن را دارند، دست به کار شوند.

چهارم حضور در نشریات پر سابقه بین المللی. برخی نشریات جهانی به دلیل سابقه و اعتبار جهانی، مورد رجوع دانشمندان و محققان بسیاری هستند. تلاش برای حضور در این نشریات و همراه شدن با استانداردهای آنها، چیزی است که فکر نظام حوزوی را در سطح جهانی آماده می کند. تا وقتی که بخواهیم نشریات خودمان به

رفرنس تبدیل شوند، با توجه به حیطة مباحث علمى كه يك بخش آن اعتمادسازى است، زمان زيادى نياز است. اينكه بشود در نشریات معتبر جهانى راه يافت يا براى راه يابى، كارگاه هاى تشكيل داد و فكرهاى را به هم ضميمه كرد تا متفكرين ايرانى اسلامى در اين نشریات راه پيدا كنند، فوايد مختلفى را به همراه دارد.

پنجم ايجاد رابطه با سازمان ها و مجامع علمى بين المللى است. علم، يك جريان در حاشيه نيست؛ اگر به حركت عميق وصل نشود، نمى تواند خودش را نشان دهد. تلاش هاى ما در حوزه هاى علوم دىنى و اسلامى، حركت در يك جزيره منقطع است؛ نه حركت در يك فضاي متصل علمى. مقدمه راه يابى نشریات ما به عرصه بين الملل حضور روشن تر و ارتباط قوى با سازمان هاى بين المللى علمى است. جوایز علمى بين المللى وجود دارد كه ما نسبت به آنها گاهى كم توجه يا بى توجه هستيم؛ در حالى كه بخشى از فضاي حضور، مى تواند از جايزه هاى بين المللى شكل بگيرد. ما هيچ ليستى از اين نوع جوایز و حضورهاى بين المللى نداريم. بحث در مابه ازای آن نيست بلكه معرفى فكر و معرفى محيطهاى علمى جهان اسلام و ايران مورد نظر است. اگر حركت هاى را كه در فضاي بين المللى با نام جوایز و جشنواره هاى علمى برگزار مى شود رصد كنيم، حضور در آنها جريان فكرى ايران اسلامى را هم نشان مى دهد.

برای حضور در عرصه بين المللى علم، بايد از مجارى و نهادهاى بين المللى عبور كرد. نهادهاى كه امر نمايه سازى محصولات علمى را بر عهده دارند و زمينه مطمئن براى مرآده علمى خواهند بود.

محسن جوادى: ضرورت هاى استفاده از نهادهاى بين المللى نمايه سازى، اطلاع از پيشينه يك بحث علمى است كه اگر در قالب ايندكس فنى نمايه شده باشد، مكانيزم خوبى را در اختيار محقق قرار مى دهد؛ مثلاً در باب اصول، بحث هاى عميقي در حواشى مطرح شده است اما چون نمايه نشده از دسترس محققان خارج است. البته يك كارى در باب تراث بايد انجام گيرد كه احيا و تنقيح تراث است. در چنين صورتى

دسترسی به مطالب آسان می‌شود. نمایه نه تنها دامنه خلاقیت را گسترش می‌دهد که حتی می‌تواند به محقق ایده نیز ارائه دهد.

علی عباسی: اگر بخواهیم در فضای علمی جهان تأثیرگذار باشیم باید دارای ارتباط باشیم. ارتباط هم بایستی با نشانه‌ها و رویکردها و علایق مشترک صورت بگیرد؛ مثلاً اگر زبانی داشته باشیم که کسی آن را نمی‌شناسد دارای ضعف هستیم. محتوا می‌تواند یک محتوای انحصاری باشد، اما زبان یک زبان اشتراکی است. امروزه خواه ناخواه یک زبان مشترک در جامعه علمی جهان تثبیت شده است. بخواهید یا نخواهید باید وارد این سیستم بشوید. البته اگر بتوانیم با کسانی که به مبانی ما نزدیک تر هستند مجموعه‌ای را فراهم کنیم که زبان ما هم در نمایه قابل فهم باشد، این بهتر از آن است که ما بخواهیم بهره‌بردار دیگران باشیم. نشریات ISI یا سیستم‌های نمایه‌سازی بین‌المللی چون تعریف‌شان با ما یکی نیست ما یک نقش انفعالی داریم. می‌توانیم نقش فعال ایفا کنیم ولی شرط آن این است که ما وارد این عرصه بشویم و قدرت تولید علم ما آن گونه باشد که بتوانیم در تعیین مصداق‌ها و معیارها و نمایه‌سازی‌ها نقش‌آفرین باشیم. بعد هم بتوانیم هم فکر و هم زبان در دنیا پیدا کنیم؛ حداقل بتوانیم کشورهای اسلامی را در یک گروه ساماندهی کنیم. اگر در عصر ارتباطات وارد این سازمان نمایه‌سازی نشویم، دچار انزوای علمی خواهیم شد.

ژورنال‌های علمی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی